روی خط خبر

همدردی و کمک مالی فعالان فرهنگ و هنر به زلزله‌زدگان

● **گروه هنر:** این روزها بسیاری از فیلم‌ها، نمایش‌ها و اجراهای کنسرت و حتی فروش کتاب برای کمک به زلزله‌زدگان استان کرمانشاه اختصاص یافته است و همچنین برخی از هنرمندان نیز برای این منظور خود پا پیش گذاشته‌اند و کمک‌هایشان را در اختیار هم‌وطنان زلزله‌زده قرار داده‌اند.

عواید فروش نمایش «اون دیگه اینجا زندگی نمیکنه»

درآمد حاصل از فروش بلیت نمایش «اون دیگه اینجا زندگی نمیکنه»، به نویسندگی و کارگردانی «پیام عزیزی» در روز چهارشنبه، ۲۴ آبان، به زلزله‌زدگان غرب کشور تعلق می‌گیرد. به‌همین منظور و برای تسهیل در امور پیشنهاد می‌شود تماشاگرانی که در این امر خیر سهیم می‌شوند، از گیشه تماشاخانه سنگلج بلیت را تهیه کنند. در نمایش «اون دیگه اینجا زندگی نمیکنه» که اجرای خود را روز یکشنبه، ۳۰ مهر، در تماشاخانه سنگلج آغاز کرده بود، بازیگرانی مانند نازآفرین کاظمی، رسول صوری، محمد چرخاب، شیرین صفایی، میثم رازفر، هادی اسکندری، حسام اشتری، بنیامین صیادی‌نیا، الهه نادری، ندا حسینی و محمد فراهانی ایفای نقش می‌کنند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «سحر زنی تنها است که تصمیم گرفته است خانه‌ای دربستی اجاره کند تا آسایش بیشتری داشته باشد که اتفاقات عجیبی در آن خانه باعث می‌شود به خانه‌ای جدید نقل‌مکان کند اما در خانه جدید نیز نمی‌تواند آسایش پیدا کند و...». «اون دیگه اینجا زندگی نمیکنه»، به نویسندگی و کارگردانی «پیام عزیزی» از روز دوشنبه، ۲۹ آبان، به اجراهای خود در تماشاخانه سنگلج ادامه خواهد داد.

یک روز فروش «غیرمجاز» و «آزاد به قید شرط»

تمامی عواید حاصل از فروش بلیت فیلم «غیرمجاز» در همه سینماها امروز چهارشنبه، ۲۴ آبان، برای کمک و همدردی با زلزله‌زدگان غرب کشور خواهد بود.

عواید حاصل از فروش بلیت‌های این فیلم سینمایی، به کارگردانی حسن یکتاپناه و تهیه‌کنندگی محمدحسین عامری‌پویا، چهارشنبه، ۲۴ آبان، در تمام سینماها به منظور همدردی و کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور به این عزیزان تعلق خواهد گرفت. به همین منظور هم‌وطنان برای همراهی و سهیم‌بودن در این اقدام، فیلم سینمایی «غیرمجاز» را در سینماهای آزادی، پردیس کوروش، پردیس مگامال، پردیس زندگی، ارگ تجریش، اریکه ایرانیان، سینما سمرقند، ایران، پردیس چهارسو، سینما جوان، سپیده، عصر جدید، پردیس کیان، پردیس تماشا، پردیس راگا، سینما جی، اشراق و پردیس ملت تماشا کردند. در این فیلم اجتماعی، میلاد کی‌مرام، لیلا زارع، یاسمن معاوی و نگار جوکار با حضور پریوش نظریه و با هنرمندی لوون هفتوان به ایفای نقش پرداخته‌اند. همچنین فیلم سینمایی «آزاد به قید شرط» شنبه هفته آینده، ۲۷ آبان‌ماه، در تمام شهرهای کشور در یک سانس به‌نفع زلزله‌زدگان استان کرمانشاه اکران می‌شود.

این فیلم که در هفته جاری با احیای مجدد سینماهای خود در تهران و دیگر شهرها مخاطبان بیشتری را به سالن‌های سینما کشانده، از هفته آینده با طرح سلام سینما (سینمای سیار) در شهرهای کوچک فاقد سالن سینمای کشور نیز اکران خواهد شد.

در فیلم «آزاد به قید شرط» بازیگرانی مانند؛ امیر جعفری، شقایق فراهانی، دیبا زاهدی، لیلا اوتادی، رامین راستاد، شکرخدا گودرزی، امیر دژاکام و... نقش‌آفرینی کرده‌اند.

پیش از این فیلم‌های «مَلی و راه‌های نرفته‌اش»، «بزم رزم» و «آزاد به قید شرط» عواید فروش یک روز خود را به زلزله‌زدگان غرب کشور اهدا کردند.

کمک ۳۰ میلیون تومانی رگ‌خوابی‌ها

حمید نعمت‌الله، لیلا حاتمی و سهند ترابی، سرمایه‌گذاران فیلم سینمایی «رگ خواب»، مبلغ ۳۰میلیون تومان را تقدیم هم‌وطنان زلزله‌زده کردند. این مبلغ صرف خرید پتو و آذوقه برای زلزله‌زدگان خواهد شد. این سه نفر از علاقه‌مندان به سینما و همچنین سینماگران دعوت کردند برای کمک فوری به هم‌وطنان زلزله‌زده وقت را از دست ندهند. عواید فروش «خانه دختر» برای زلزله‌زدگان در روز دوشنبه، ۲۹ آبان، در تمام سینماهای کشور تقدیم به زلزله‌زدگان شده است.

فروش کتاب

فروش کتاب و آثار هنری به نفع زلزله‌زدگان کرمانشاه با حضور نویسندگان، مترجمان، هنرمندان سینما و تجسمی در روز سه‌شنبه، ۳۰آبان، از ساعت ۱۵ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند در این حرکت نیکوکارانه به نشانی خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، شماره ۱۴۸ مراجعه کنند.

فیلم‌سازی در بحران در گفت‌وگو با کیانوش عیاری

این فیلم را برای بیداری مسئولان ساختم

با پخش «بیدار شو آرزو» در تلویزیون مشکلی ندارم

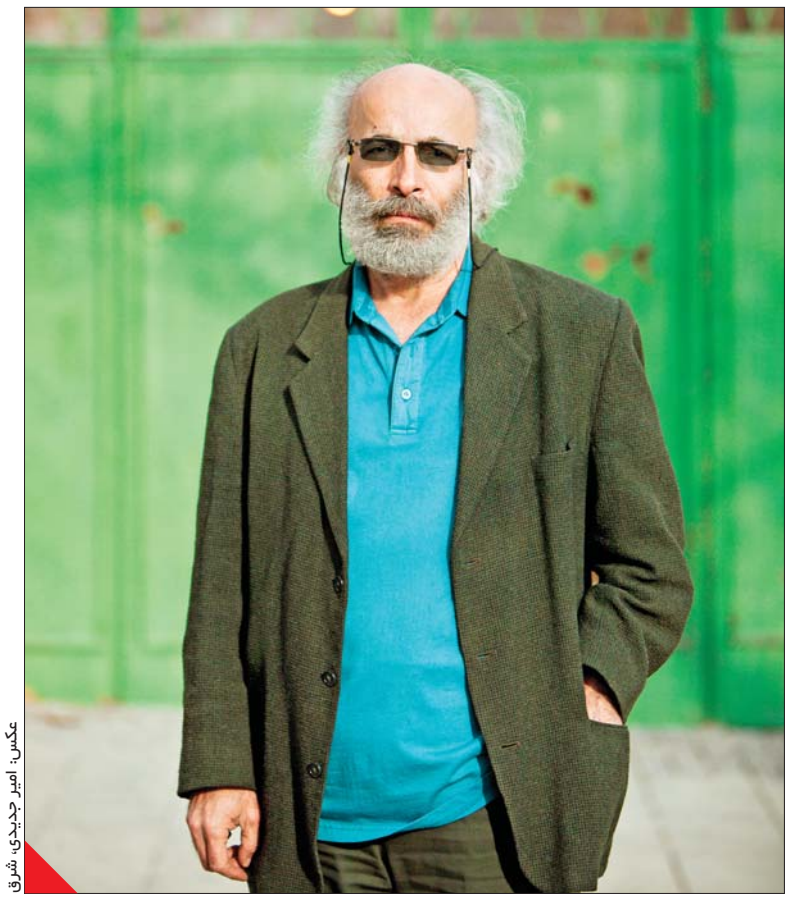

عکس: امیر جدیدی، شرق

بهناز شیربانی

در اوج روزهای پرالتهاب و سخت زلزله بم، برای ساخت یک فیلم عازم شهری شد که مردمانش روزهای سختی را می‌گذراندند، اما هدف دیگری داشت؛ اینکه آب خوش از گلوی مسئولان مرتبط با زلزله پایین نرود؛ فیلمی که ابعاد فاجعه‌بار زلزله را بیشتر نمایان می‌کرد و مثل تمامی فیلم‌های کیانوش عیاری برآمده از واقعیتی است که اطرافمان می‌بینیم. «بیدار شو آرزو» دیده نشد و شاید هدفی که عیاری مدنظر داشت محقق نشد، اما هنوز هم بسیاری از آن به‌عنوان یکی از فیلم‌های تأثیرگذار سینمای ایران صحبت می‌کنند. بهانه گفت‌وگو با عیاری، زلزله بزرگ و فاجعه‌باری است که همه را در بهت فرو برده است و بار دیگر از عدم آمادگی لازم در مواجهه با چنین رویدادی صحبت می‌شود. اینکه «بیدار شو آرزو» در روزهای سخت زلزله بم چطور ساخته شد و هدف عیاری از ساخت این فیلم چه بود، قطعا خواندنی است. شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

سال‌ها از ساخت فیلم «بیدار شو آرزو» می‌گذرد؛ فیلمی که ۱۳ سال دیده نشده و شاید در شرایطی بحرانی مثل این روزها بیشتر از فیلمی صحبت می‌شود که با هدفی خاص ساخته شد و اکرانش می‌توانست تأثیرگذار باشد... .

زمانی که «بیدار شو آرزو» ساخته می‌شد، فکر نمی‌کردم فیلمی است برای اکران عمومی. فکر می‌کردم این فیلم باید بتواند محرکی برای خمودگی ذهن مسئولان فراموشکار در ارتباط با زلزله باشد. ایران روی یکی از مخوف‌ترین خطوط زلزله دنیا قرار دارد و این نکته‌ای است که متأسفانه فراموش می‌کنیم. زمانی که «بیدار شو آرزو» در جشنواره فیلم فجر جایزه گرفت، روی سن تالار وحدت خطاب به مسئولانی که در سالن حضور داشتند گفتم که این فیلم برای نمایش در سینماها و جشنواره‌ها ساخته نشده، فیلم را ساختم که آب خوش از گلوی مسئولان پایین نرود، اما عملا این فیلم را کسی ندید. آن زمان دوست نداشتم فیلم اکران عمومی شود، چون به نظرم فیلم دردناک‌تر از خود زلزله است. تنها یک‌بار شبکه مستند این فیلم را در دوران وقوع زلزله ورزقان در استان آذربایجان‌شرقی نمایش داد، اما در حالتی مهجور نمایش داده شد، چون هیچ‌کس خبر نداشت قرار است پخش شود. بنابراین می‌شود این‌طور گفت که این هدف و آب خوش از گلوی مسئولان پایین‌نرفتن به‌واسطه این فیلم عملا نقش بر آب شد، چراکه شرایطی برای دیده‌شدن فیلم به‌وجود نیاوردند، من که نباید این کار را انجام بدهم، دیگران باید این شرایط را ایجاد کنند که مسئولان این فیلم را ببینند. این‌طور نباشد که زلزله‌ای در بم، ورزقان و حالا این زلزله که نمی‌دانم اسمش را باید چه بگذارم؟ زلزله غرب کشور؟ این زلزله عجیب و کم‌سابقه که هم‌زمان در نقاط مختلف جغرافیایی دور از هم وقوع آن حس شده؛ مثلا در بخش‌های میانی و شرقی ایران اثری از آن نباشد، اما در پاکستان، کویت، مصر یا ترکیه حس شود!

با این‌همه فکر می‌کنیم این فیلم هم مثل باقی فیلم‌های شما اگر در زمانی که باید، دیده می‌شد طبعا می‌توانست اثرگذاری بهتری داشته باشد، اما این روزها بسیاری از لزوم پخش آن از رسانه‌ای مثل تلویزیون صحبت می‌کنند. نظر شما چیست؟

البته من با نمایش این فیلم یا پخش از تلویزیون با توجه به بحرانی که چندروزی است به وجود آمده مشکلی ندارم و مخالف نیستم، امیدوارم این اتفاق بیفتد یا اکرانی داشته باشد، اما شاید الان مصرفش به اندازه چیزی که من هدف‌گذاری و آرزو کرده بودم نباشد، چراکه می‌خواستم این فیلم مانع از این شود که آب خوش از گلوی مسئولان مرتبط با زلزله یا حوادث غیرمترقبه پایین برود. الان اگر نمایش داده شود چه سود؟ ضمن اینکه تأکید می‌کنم امیدوارم نمایش داده شود یا پخش شود.

برگردیم به ۱۳ سال پیش، در روزهای زلزله بم، ایده ساخت «بیدار شو آرزو» چطور به ذهنتان رسید، قرار بود چه قصه‌ای روایت کنید؟

زلزله طبس در ۲۵ شهریور سال ۵۷ رخ داد و من چند روز بعد، برای ساخت یک فیلم مستند به‌تنهایی به مشهد رفتم، در مشهد، مهدی صباغ‌زاده را پیدا کردم و پرسیدم می‌توانی همراهم باشی که تنها نروم؟ با دوربین ۱۶ میلی‌متری و تعدادی نگاتیو به سمت طبس رفتیم و در آنجا توانستیم با ارتش هماهنگ کنیم و با هلیکوپترهای شونوک دوملخه همراه با تیم امدادگر به سمت محل زلزله رفتیم و فیلمی مستند ساختم به اسم «بر مفرش خاک خفتگان می‌بینم». این عنوان از یک قصیده از رباعی خیام است. ادامه این مصرع این است «در زیرزمین نهفتگان می‌بینم، چندان‌که به صحرای عدم می‌نگرم، ناآمدگان و رفتگان می‌بینم». فیلم در سالگرد زلزله، سال ۵۸ نمایش داده شد. در زلزله طبس چیزی دیده بودم که ذهنم را تسخیر کرده بود، روزی پیرمردی را دیدم روی یک کپه خاک خیلی طولانی و منظم، مثل خاکریز برای چیده‌شدن ریل راه‌آهن نشسته بود. این خاک حاصل خراب‌شدن دیوارهای کوچه‌ای بود که حول‌وحوش ۳۰۰متر طول آن بود و بر اثر خراب‌شدن دیوارها، خاک روی هم ریخته شده بود. احساس کردم پیرمرد فکور است، علتش را پرسیدم و گفت: «زمان زلزله پسرم رفت نان بگیرد که ناگهان زلزله شد، می‌دانم آن زمان در کوچه بود و نشستم و فکر می‌کنم پسرم کجای این کوچه و کجای این خاک است؟» با پیرمرد صحبت کردم مبنی‌بر اینکه پسرت چندساله بود؟ قدش چطور بود؟ آیا اصولا آدم عجولی بود یا آرام راه می‌رفت؟ در آن ساعت زمان شلوغی نانوایی بود یا خلوتی؟ به این دلیل این سؤال‌ها را می‌پرسیدم که با یک مهندسی تخمین بزنم که ممکن است پسرش پشت این خاک طولانی ناشی از ریزش دیوارهای طرفین کوچه کجا پنهان شده باشد؟ بعد با جواب‌هایی که پیرمرد داد، به پاسخی رسیدم و جایی در ذهن من بود حدود ۲۰ متر آن‌ورتر از جایی که پیرمرد نشسته بود. رفتم از استان معین آذربایجان‌شرقی یک لودر گرفتم آوردم و حدودی را که حدس می‌زدیم ممکن است پسرش مدفون باشد کندیم و چند بیل که زده شد جنازه پیدا شد و پیرمرد پسرش را شناسایی کرد. چند دقیقه گریه کرد و بعد جنازه بیرون آورده و دفن شد. تصمیم گرفتم روزی روزگاری این لحظه را به فیلم برگردانم. این موضوع را با خودم داشتم که زلزله بزرگ بعدی که در ایران رخ داد، زلزله رودبار بود. آن زمان فکر کردم اگر بلافاصله بعد از وقوع زلزله به سراغ ساخت این فیلم بروم، ممکن است این‌طور برداشت شود مثل یک آدم فرصت‌طلب، از وقوع یک فاجعه ملی استفاده می‌کنم که فیلمی بسازم. بنابراین کوتاه آمدم و نساختم. وقتی آقای کیارستمی فیلم «زندگی و دیگر هیچ» را ساخت و اکران شد، دیدم فرصت‌طلبی نکردند. متأسفانه فرصت ساخت فیلم در زلزله رودبار را از دست دادم. به انتظار وقوع یک زلزله بزرگ دیگر نبودم. ولی زلزله بم در سال ۸۲ رخ داد، در همان لحظات اولیه که مطلع شدم زلزله‌ای به این وسعت رخ داده، تصمیم گرفتم قطعا به بم بروم.

البته من با نمایش این فیلم یا پخش از تلویزیون با توجه به بحرانی که چندروزی است به وجود آمده مشکلی ندارم و مخالف نیستم، امیدوارم این اتفاق بیفتد یا اکرانی داشته باشد، اما شاید الان مصرفش به اندازه چیزی که من هدف‌گذاری و آرزو کرده بودم نباشد، چراکه می‌خواستم این فیلم مانع از این شود که آب خوش از گلوی مسئولان مرتبط با زلزله یا حوادث غیرمترقبه پایین برود

دقیقا هم‌زمان با ساخت سریال «روزگار قریب»...

بله. آن زمان در حال فیلم‌برداری سریال «روزگار قریب» بودیم، کار را تعطیل کردم. آقای رجبی پذیرفت در فیلم حضور داشته باشد و خانم بهناز جعفری هم به ما ملحق شد و با قطار راهی کرمان شدیم. درست در ششمین روز وقوع زلزله راهی بم شدیم. غیر از موضوعی که از سال ۵۷ زمان وقوع زلزله طبس در ذهنم بود، تعدادی عکس هم بعد از زلزله بم در مطبوعات دیده یا چیزهایی خوانده بودم، ازجمله اینکه برادر یک دختربچه، زیر آوار خانه‌شان محبوس شده بود و راهی به بیرون نداشت و این دختر از طریق روزنه‌ای که در بخشی از دیوار وجود داشت، می‌توانست به برادرش آب و غذا برساند و حتی در هوای سرد دی ماه نیم‌تنه بالای برادرش را با پتو پوشانده بود، کنار جنازه مادر، پدر و دیگر برادر و خواهرانش... حتی تصور چنین موقعیتی وحشتناک است. علاوه بر این مطالب، چند عکس دیده بودم ازجمله عکس مردی که دو بچه جان‌باخته‌اش را روی دو دستش می‌برد، ضمن اینکه آن مهندسی طبس هم انگیزه اصلی برای حرکت به سمت بم بود. شب در قطار، آقای رجبی از اینکه قرار است با چه صحنه‌هایی فیلم را شروع کنیم پرسید، همه این موضوعات را برایش تعریف و سعی کردم نظمی به موضوعات پراکنده ذهنم بدهم و این اتفاق افتاد و در نهایت «بیدار شو آرزو» ساخته شد.

چرا «بیدار شو آرزو»؟

زمان ساخت فیلم سه بار به بم رفتیم و هر بار ۳۰،۳۵ روز آنجا می‌ماندیم و بعد برمی‌گشتیم، علت برگشت‌های ما این بود که برخی بچه‌ها و خودم فشار روحی روانی بسیاری به‌خاطر بودن در آن محیط داشتیم. البته دفعه سوم هم به دلیل اینکه پولمان ته کشیده بود، برگشتیم. در یکی از این سفرها به قبرستان رفتیم و در آنجا مردی حدود ۴۰ساله را دیدم که با عصبانیت دستش را به قبر می‌کوبید و فریاد می‌کشید: «آرزو بهت می‌گم بلند شو» و سر بچه‌ای که مرده بود، فریاد می‌کشید، به نظر می‌رسید دیوانه شده... خلاصه این فیلم را آنجا برای خودم تثبیت کردم و بعد این صحنه را هم گرفتم. جایی در فیلم هست که مهران رجبی شب‌هنگام که جنازه‌ها را پیدا می‌کند و در کنار آتشی که روشن است، به این پنج، شش جنازه نگاه می‌کند و عین همان حالت را به او گفتم اجرا کند و بدون توجه به آدمیانی که اطرافش هستند این دیالوگ را تکرار کند، آرزو بهت می‌گم بیدار شو... این شد خاستگاه اسم فیلم.

آقای عیاری، مدت‌هاست بحث تشکیل کمیته‌ای برای بررسی فیلم‌های توقیفی باعث شد تا بار دیگر پرونده این فیلم‌ها به جریان بیفتد و سرانجام بار دیگر با لیستی از فیلم‌ها مواجه شدیم که هنوز هم مشخص نیست چه سرانجامی پیدا خواهند کرد. «خانه پدری» در گروه هنر و تجربه روی پرده خواهد رفت؟

«خانه پدری» یک بار در سال ۹۳ در گروه سینمایی هنر و تجربه و به مدت دو روز نمایش داده شد، این اتفاق گواه بر این است که نمایش این فیلم در گروه هنر و تجربه درست نیست. این گروه سینمایی چهار سینما دارد که در سال ۹۳ دو سینمای آن نیز متعلق به حوزه هنری بود و حوزه اعلام کرد سینماهایش را در اختیار این فیلم نخواهد گذاشت. فیلم در سینما کوروش نمایش داده شده و در۱۰ سانس در دو روز در سالن ۳۵۵نفره نمایش داده شد. آن زمان دلواپسان تهدید کردند اگر بعد از دو روز اکران، یعنی پنجشنبه و جمعه، فیلم شنبه از اکران برداشته نشود، وزیر را استیضاح خواهیم کرد و ایشان دستور دادند فیلم از اکران برداشته شود. بنابراین با توجه به تجربه یک بار نمایش فیلم در این گروه سینمایی، نمایش این فیلم به این شکل درست نیست. احتمالا حوزه باز هم سینماهای خودش را در اختیار فیلم قرار نخواهد داد، بار دیگر فیلم در سینماهای محدودی اکران خواهد شد و باز هم با تهدید فیلم از پرده پایین کشیده می‌شود. بعد هم مسئولان می‌گویند از شر این فیلم خلاص شدیم، آن را اکران کردیم اما شرایط برایش فراهم نبود و از نظر ما فیلم آزاد شد. نمی‌دانم تعداد فیلم‌های توقیفی چند تا است مثلا اگر ۱۵ تا است می‌گویند با اکران خانه پدری شد ۱۴ فیلم توقیفی و به این شکل صورت‌مسئله پاک می‌شود. حتی در جلسه‌ای که پیش از این مبنی‌بر اکران فیلم داشتیم، موضوع شرط سنی برای اکران فیلم مطرح شد که پذیرفتم. اگرچه پذیرفتم اما به‌نظرم کار عجیبی است. چرا باید شرط سنی گذاشته شود؟ چه کسی می‌تواند این موضوع را کنترل کند؟ و خودشان خوب می‌دانند گذاشتن شرط سنی تبدیل به یک عنصر تبلیغی می‌شود.

موضوعی که به نظرم توقیف «خانه پدری» را عجیب‌تر می‌کند، این است که هر روز اخبار ناگوار و دلخراشی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، اخباری از جنس چیزی که در فیلم می‌بینم اما «خانه پدری» بعد از سال‌ها هنوز هم به‌زعم بسیاری نباید دیده شود!

بله، تلقی این است که شاید ساخت این فیلم محصول دولت است، فجایعی که هر روز در گوشه‌وکنار این کشور رخ می‌دهد؛ اینها که خواست ما نیست اتفاق می‌افتد. اما تولید چنین فیلم‌هایی انگار جزئی از اراده ماست و ما چنین اراده‌ای را نمی‌خواهیم به رسمیت بشناسیم.

پس‌لرزه‌های زلزله در نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال

گروه هنر: چهارمین و پنجمین روز از نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال در سوگ ازدست‌دادن هم‌وطنان عزیزمان در زلزله کرمانشاه گذشت. به گزارش ستاد خبری یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال، چهارمین روز نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال درحالی سپری شد که بعضی از رخدادها و جلوه‌ها برای بازدیدکنندگان بسیار جذاب و چشم‌نواز به نظر می‌آمد و اما بعضی از جلوه‌ها قلب بازدیدکنندگان از پیر تا جوان از شمالی تا جنوبی‌ترین نقطه ایران را به درد می‌آورد؛ زلزله‌ای که درست چند روز گذشته در غرب کشورمان، سرزمین شیرین و فرهاد رخ داد قلب تپنده ایران را به درد آورد.

در نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال پس‌لرزه‌های این زلزله هولناک به‌خوبی احساس شد به طوری که برخی از غرفه‌داران فضای غرفه خود را با نصب پارچه‌های سیاه و پیام‌های تسلیت تغییر دادند.

اما از اتفاق‌های دیجیتالی این دوره از نمایشگاه نمی‌توان غافل شد؛ برگزاری کارگاه‌هایی همچون مدیریت رسانه در خانواده، حضور ۱۲۰ استارت‌آپ در بخش کسب‌وکارهای نوپا، رقابت ۴۰ تیم در دو روز در ماراتن تولید محتوای دیجیتال، مسابقه بزرگ کتابخوانی، ثبت صد درخواست برای تبدیل به ناشر دیجیتال در دو روز ابتدایی نمایشگاه و افتتاح سامانه‌هایی مانند «خادمین رسانه‌ای آستان قدس رضوی» ازجمله اتفاق‌های دیجیتالی بود که نظر بازدیدکنندگان را به خود جلب کرد. پنجمین روز این نمایشگاه هم از همان ساعات ابتدایی با شور و حرارت بیشتری برگزار شد، بازدید گروه‌های مختلفی از دانش‌آموزان از مناطق مختلف تهران به نمایشگاه جانی داد.

اما حضور غرفه‌ها با ویژه‌برنامه‌های مختلف از دیگر جلوه‌های این دوره از نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال است، عرضه محصولات فرهنگی با درنظرگرفتن تخفیفات ویژه، برگزاری مسابقات مختلف در اکثر غرفه‌ها، انجام بازی‌های سه‌بعدی در فضایی جالب برای تمامی سنین، ازجمله برنامه‌های جانبی نمایشگاه بوده که با استقبال بی‌نظیری نیز همراه است. دراین‌میان سفر در یک چشم برهم‌زدن به کربلای معلی در غرفه پایگاه اطلاع‌رسانی لبیک نیز برای افراد بسیاری جذاب بود به‌طوری‌که شاهد تشکیل صف طولانی برای مشاهده قسمتی از واقعه عاشورا بودیم. بازدیدکنندگان زمانی که در فضای مجازی سه‌بعدی مجازی ۳۶۰ درجه قرار می‌گیرند متأثر می‌شوند به طوری که پس از مشاهده این تصاویر اهداف و تصمیمات ویژه‌ای را برای آینده خود لحاظ می‌کنند.

یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال با هدف آشنایی هرچه بیشتر فعالان حوزه دیجیتال با آخرین تحولات صورت‌گرفته در حوزه رسانه‌های دیجیتال تا ۲۶ آبان در مصلا امام‌خمینی(ره) تهران دایر است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

نوید محمدزاده جایزه براتیسلاوا را به زلزله‌زدگان تقدیم کرد

● **گروه هنر:** نوید محمدزاده برای فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره فیلم براتیسلاوا را به دست آورد. او این جایزه را به زلزله‌زدگان غرب کشور تقدیم کرد. نوید محمدزاده که در مراسم پایانی جشنواره فیلم براتیسلاوا در کشور اسلواکی، جایزه بهترین بازیگر مرد این جشنواره را دریافت کرد، با انتشار پیامی ویدئویی گفت: برای دومین‌بار است که این جایزه را می‌گیرم؛ دو سال پیش هم این جایزه را برای بازی در فیلم «ناهید» گرفتم و ممنون از فستیوال، دبیر فستیوال و هیئت محترم داوران. او افزود: وقتی صبح این خبر را شنیدم نمی‌دانستم خوشحال باشم یا ناراحت، زیرا شب قبل در کشورم، در منطقه‌ای که زادگاه من است؛ منطقه ایلام، کرمانشاه و کردستان، زلزله آمد و خیلی از هم‌وطنان و هم‌زبانان من زیر آوار ماندند و کشته شدند. می‌خواهم این جایزه را به جان‌باختگان، مال‌باختگان و بازماندگان این اتفاق تلخ تقدیم کنم. او پیش از این نیز برای بازی در همین فیلم، جایزه بهترین بازیگر مرد بخش افق‌های هفتادوچهارمین جشنواره فیلم ونیز را نیز دریافت کرده بود. در این جشنواره علاوه بر فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء»، دو فیلم «ناپدیدشدن» از علی عسگری و فیلم کوتاه «روتوش»، ساخته کاوه مظاهری نیز در این جشنواره روی پرده رفتند. نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم براتیسلاوا از ۹ نوامبر (۱۸ آبان) آغاز شده است و تا امروز، پنجشنبه ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) ادامه دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار می‌کند

نمایشگاه عکس‌های دوره قاجار

● **گروه هنر:** هم‌زمان با هفته کتاب، برای نخستین‌بار گوشه‌ای از گنجینه عکس‌های دوره قاجار کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در طبقه همکف این کتابخانه در معرض دید عموم قرار گرفت. در این نمایشگاه که به همت بخش نسخ خطی کتابخانه برپا شده، ۱۱۹ قطعه عکس و دو آلبوم عکس به نمایش درآمده است. قطع عکس‌های به‌نمایش‌درآمده از ابعاد ۸×۵ سانتی‌متر تا ۳۰×۵۰ سانتی‌متر متغیر است. ازجمله عکاسانی که آثارشان در این نمایشگاه ارائه شده است، می‌توان به آنتوان سِوریوگین، عبدالله قاجار، محمدحسن قاجار و حشمت‌الممالک اشاره کرد که همگی از عکاسان دربار قاجار بوده‌اند و امضای آنها بر حاشیه عکس‌ها مشهود است. همچنین عکسی از شعاع‌السلطنه (شاهزاده قاجار) با امضای فلیکس نادار (عکاس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم) در این نمایشگاه به چشم می‌خورد. در کنار عکس‌ها و آلبوم‌ها، دو کتاب کهن‌چاپ نیز که از اولین کتاب‌های حوزه عکاسی در ایران به شمار می‌رود، ارائه شده است: کتاب رساله عکسیه حشریه تألیف محمد بن علی مشکوه‌الملک که به همت میرزا محمدخان پیشخدمت در سال ۱۳۰۷ قمری با چاپ سنگی منتشر شده و نیز کتاب علم عکاسی جدید نوشته کارنیک خان دالکیجیان که در مطبعه فاروس تهران با حروف سربی به چاپ رسیده است. این نمایشگاه تا اول آذر ادامه دارد.

نمایش فیلم‌های کمدی از ۲۵ آبان ممنوع

● شورای صنفی نمایش به مناسبت فرارسیدن ایام عزاداری پایان ماه صفر، نمایش فیلم‌های کمدی را از ۲۵ آبان متوقف کرد. غلامرضا فرجی (سخنگوی شورای صنفی نمایش) در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به مصوبه این شورا گفت: براساس مصوبه امروز شورا، نمایش فیلم‌های کمدی از ۲۵ تا ۲۸ آبان در همه سینماهای تهران و شهرستان‌ها ممنوع است. او ادامه داد: همچنین سینماهای سراسر کشور از روز پنجشنبه، ۲۵ آبان، از ساعت ۱۷ تعطیل هستند و روز جمعه نیز به صورت کامل تعطیلند. همچنین از ساعت ۱۷ روز شنبه، ۲۷ آبان و روز یکشنبه، ۲۸ آبان تمامی سینماها تعطیل هستند و فعالیت خود را از روز دوشنبه، ۲۹ آبان، از سر می‌گیرند. وی درباره ثبت قرارداد فیلم‌های جدید گفت: با توجه به بالابودن کف فروش فیلم‌ها، اکران فیلم‌ها کمافی‌سابق ادامه دارد.

«یه‌وا» در جشنواره فیلم «انار» کانادا

● **گروه هنر:** جشنواره فیلم «انار» میزبان «یه وا» خواهد بود. فیلم «یه وا» نخستین ساخته آناهید آباد در دوازدهمین جشنواره فیلم «انار» به‌عنوان فیلم اختتامیه این رویداد سینمایی به روی پرده می‌رود. «یه وا» نماینده سینمای ارمنستان در رقابت اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان است که تاکنون به همت معاونت بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی در جشنواره‌های معتبری چون مونترال، میل ولی و جهان آسیای لس‌آنجلس حضور یافته و به بخش مسابقه جوایز سینمایی آسیا - اقیانوسیه راه پیدا کرده است. جشنواره فیلم «انار» رویدادی است که برای آشنایی با سینما و فرهنگ ارمنی پایه‌گذاری شده است.